

تفسير احمد

سوره القريش



١٣٩٤

سوره القريش

سوره القريش

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 4 آیه می باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَرِيشٌ ﴿١﴾ اِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا
الْبَيْتِ ﴿٣﴾ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

ترجمه موجز :

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

« لایلاف قریش » ﴿١﴾ به پاس الفت قریش .

« ایلافهم رحله الشتاء والصیف » ﴿٢﴾ (همان) الفت شان به سفر های زمستانی و تابستانی .

« فلیعبدوا رب هذا البیت » ﴿٣﴾ پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه (کعبه) را عبادت کنند.

« الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ » ﴿٤﴾ همان (پروردگار) که آنها را از گرسنگی نجات داد ، و از ناامنی رهائی بخشید.

خلاصه تفسیر:

از اینکه مردم قریش به سفر زمستان و تابستان عادت کرده اند، پس (بخاطر شکر این نعمت) باید مالک این خانه کعبه را عبادت کنند، آن که به آنها در گرسنگی طعام داد، و از ترس آنها را در امان گذاشت.

معلومات مختصر:

(سوره قریش) مکی، و دارای (1) رکوع ، (4) چهار آیت ، (17) کلمه ، (79) هفتاد و نه حرف ، و (41) چهل و یک نقطه است.

ولی عده ای بر این باور اند که در مدینه نازل شده، ولی مضمون سوره و اسلوب بیان آن مخصوصاً «بخش رب هذا البیت» بر مکی بودن سوره تاکید می دارد.

مفسران بدین عقیده اند که:

سوره « الفیل و قریش » ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، چنان معلوم می شود که همزمان و در یک مرحله نازل شده اند در هر دو خطاب متوجه قریش است.

نعمت های الهی را بیان می دارد و قریش را به سپاسگذاری دعوت می کند در یکی پیروزی بر دشمن مجهز و نیرومند را در دیگری نجات از خوف و گرسنگی را بیاد قریش می آورد و به آنان خاطر نشان می سازد، همانطوریکه پروردگار کعبه از شر اصحاب فیل نجات داد ، فقر و گرسنگی شما را نیز از میان برداشته و در عوض رزق و روزی وافر بشما ارزانی می فرماید، به حالات ترس و خوف تان خاتمه بخشیده و امان و فضای امنیت را را به شما عنایت می فرماید ، میتوانید در گرما و سرما ، در شب و روز به سفر به پردازید و به امور تجاری خویش مشغول شوید و کسی نیست که برای شما و امور

سوره القريش

تجارتی شما مزاحمت خلق کند ، پروردگار با عظمت خطر دشمن را دفع و برای شما نعمت صلح را به ارمغان آورد.

خواننده محترم!

طوری که مشاهده فرمودید که بعد از شکست نیروهای ابرهه در قدم نخست به این شهر امنیت آمد و روزی از هر سو به این شهر سرا زیر می شد ، ولی باشندگان این سرزمین ناسپاسی کردند، بنأ در مرحله اول به سراغ شان فقر آمد و در قدم بعدی خوف و بی آمنی دامن شانرا فرا گرفت .

پروردگار با عظمت ما در (سوره ابراهیم/7) می فرماید: « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ » (اگر سپاس گزاری کنید، قطعاً بر شما می افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذابم سخت است.)

در این هیچ جای شک نیست که خداوند در برابر نعمتهایی که به ما می بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است.

شکران نعمت اینست که در قدم نخست باید بطور دقیق فکر کنیم بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است.

مرحله دوم شکران نعمت ادای به زبان است و مرحله سوم ادای شکر که از همه آن بالاتر است ، مرحله عمل است.

در مجموع شکر عملی آن است که درست بیاندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است و آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده ایم.

محتوا سوره :

این سوره در حقیقت مکمل سوره « فیل » محسوب می شود و آیات آن دلیل روشنی بر این مطلب است.

محتوا این سوره بیان نعمت خداوند بر قریش و الطاف و محبتهای اونسبت به آنهاست ، تا حس شکرگزاری آنها تحریک شود و به عبادت پروردگار این بیت عظیم که تمام شرف و افتخارشان از آن است قیام کنند.

همان گونه که سوره « و الضحی » و سوره « الم نشرح » درحقیقت یک سوره محسوب می شود، همچنین سوره « فیل » و سوره « قریش » بمثابة یک سوره می باشند، چرا که پیوند مطالب آنها بقدری است که می تواند دلیل بر وحدت آن دو بوده باشد. سوره مبارکه قریش با تأکید بر اینکه قبیله قریش ابتداییترین نعمت اجتماعی، یعنی انسجام درونی و بقای قبیله خود را از خدای کعبه دارد، آنان را به شکرانه این نعمت به پرستش او دعوت می کند. در انتها برای نشان دادن اهمیت این نعمت، به پیامدهای آن یعنی رهایی از گرسنگی و فشار اقتصادی و ایمنی از تهدیدهای خارجی اشاره می کند.

این سوره به همه خوانندگان خود یادآور می شود که آنان نیز همه نعمت های حیات فردی و اجتماعی خود را از لطف و تدبیر پروردگار خود دارند، از این رو باید او را بپرستند.

سوره القريش

فضیلت تلاوت سوره:

ابو الحسن قزوینی فرموده است که: هر گاه شخصی از دشمن یا هم از مصیبتی خطر داشته باشد، خواندن سوره «لایف قریش» برای او، تا مین دادن او محسوب می شود امام جزری نقل فرموده است که: این عمل آزمون شده و مجرب است.

حضرت قاضی ثناء الله پس از نقل آن در تفسیر «مظهری» فرموده است که شیخ من حضرت میرزا جان جانان به من دستور فرموده است که به هنگام خوف و خطر این سوره را تلاوت نمایم، و فرموده است که: خواندن آن برای دفع هر مصیبت و بلا مجرب است، حضرت قاضی صاحب فرموده است که من بارها آن را آزموده ام.

(معارف القرآن مؤلف دانشمند عالم اسلام حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی (رح) مترجم حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور - سوره القریش)

ابن کثیر در تفسیر خویش فرموده است: هر کسی که موافق به این آیه عبادت خدا را انجام دهد خداوند برای او وسایل امنیت و بی خوف و خطر بودن را در دنیا را فراهم می سازد، و هم چنین در آخرت، و هر کسی که از آن اعراض نماید، این هر دو امنیت از او سلب می گردند، چنان که در جایی دیگر از قرآن عظیم الشان می فرماید:

« وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ » (سوره نحل 112) یعنی خداوند مثال یک روستایی را بیان فرمود که آن مأمون و محفوظ و از هر خطر مطمئن بود، رزق آن از هر طرف به وفور می آمد، سپس اهالی آن قریه به نعمت های الهی کفران نمودند، پس خداوند آنان را در اثر عملکردشان به گرسنگی و ترس مبتلا فرمود.

اسباب نزول سوره قریش:

حاکم و غیره از ام هانی (رض) دختر ابو طالب روایت کرده اند: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله تعالی قریش را به هفت خصلت برتری داده است (من از اینها هستم، نبوت، در بانی کعبه، آب رساندن بر ای حاجیان، پیروزی بر اصحاب فیل، عبادت خدا، اینها هفت سال خدا را عبادت کردند که در آن زمان هیچ گروهی این کار را نمی کرد و خدا یک سوره را تنها در مورد آنها نازل کرده است). حاکم در ادامه حدیث بیان داشته است که این سوره در باره قریش نازل شده و از گروه دیگری در این سوره یاد نشده است.

قابل یاد آوری است که: حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم در شهر مکه طی سیزده سال اقامت ایشان به منظور تبلیغ دین اسلام و اذیت و آزار آن حضرت توسط کفار قریش همراه با نزول سوره های مکی بوده است که خداوند از وقایع تاریخی مکه به منظور یادآوری نعمت و قدرت لایزال الهی یاد می کنند تا کافران مکه به توحید الهی و نبوت نبوی ایمان بیاورند.

تفسیر سوره قریش:

«لَايِلَافٍ قُرَيْشٍ»

«ایلاف» مصدر است و به معنی الفت بخشیدن، و (الفت) به معنی اجتماع توأم با

سوره القريش

انسجام و انس و التيام است .
برخی از مفسران در معنی « ايلاف » می نویسند که: « ايلاف » ، الفت دادن امت و مقصود، الفت دادن میان خود قريشيان يا قبایل دیگر با ایشان بوده که خداوند با نابود ساختن اصحاب فيل برای آنان فراهم آورد.
بنابراین، این سوره در دنبال سوره (فيل) قرار دارد و مضمون آن، این را ثابت می کند. چنانکه برخی از مفسرين در اصل این دو سوره را یکی دانسته اند.
منظور از ایجاد الفت میان قريش و سرزمین مقدس مکه ، و خانه کعبه است ، زیرا آنها و تمام اهل مکه به خاطر مرکزيت و امنيت این سرزمین در آنجا سکنی گزیده بودند، بسیاری از مردم حجاز هر سال به آنجا می آمدند، مراسم حج را بجا می آوردند، و مبادلات اقتصادی و فرهنگی داشتند، و از برکات مختلف این سرزمین استفاده می نمودند. همه اینها در امن و امنيت زندگی بسر می بردند ، و يقين همین است که اگر کعبه به لشکر کشي ابرهه ويران و امنيت آن از بين می رفت دیگر کسی با این سرزمین الفتی پیدا نمی کرد.
در آیه بعد می افزاید: هدف این بود که خداوند قريش را در سفرهای زمستانی و تابستانی الفت بخشد.

الفت قريش در کوچ های زمستانی و تابستانی ظاهر می شود. مقصود این است که این الفت به قريش امکان داد که بتوانند از کوچ های زمستانی و تابستانی خود نهایت بهره را ببرند.

قريشيان برای تجارت در زمستان به طرف جنوب (يمن) و در تابستان به سمت شمال (شام) می رفتند. آنان در این سفرهای تجاری سود می بردند و از این راه امرار معاش می کردند.

«لَايِلَافِ قُرَيْشٍ»

«برای الفت دادن قريش» الفت دادن قريش قبيله پیامبر صلی الله عليه وسلم این بود که چون در دوران جاهليت به سفرهای تجاری می رفتند، در راه مورد غارت و هجوم قبایل دیگر قرار نمی گرفتند زیرا اعراب می گفتند: قريش اهل خانه خدای عزوجل هستند و باید حرمت آنها را نگاه داشت. لذا خدای عزوجل به قريش دستور داد تا به سبب الفت و ایمنی که در دو سفر تجاری زمستانی و تابستانی خود از آن برخوردارند، خداوند را شکر بگذارند زیرا او هر دو سفر را مورد الفت آنان قرار داد و برایشان آسان گردانید.
قريش، نام مجموعه قبایلی از نسل نضر بن کنانه است که از صیغه تصغیر «قرش» برگرفته شده زیرا قرش حیوان بزرگ جثه ای از آبیان است که به کشتی ها حمله ور می شود. قبيله قريش را از آن روی به حیوان قرش تشبیه کردند که آن حیوان، جانداران آبی دیگر را می خورد در حالی که خود از دریده شدن مصون و بر دیگران چیره است و کسی بر آن غالب شده نمی تواند. ولی ابو حیان می گوید: «وجه نامگذاری قريش به این نام این است که تقریش به معنای تجمع است و قريش بعد از آن که پراکنده بودند، جمع شدند و قصی بن کلاب آنان را در حرم جمع کرد».

سوره القريش

«إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ»

هدف و منظور ایجاد الفت میان قريش و ساير مردم در طول اين دو سفر بزرگ است ، چرا که بعد از داستان ابرهه مردم با دیده ديگری به آنها مينگرستند، و برای کاروان قريش احترام و اهميت و امنيت قائل بودند. قريش هم نیاز به اين امنيت در طول راه داشت ، و هم نیاز به آن در سرزمين مکه ، و خداوند در سايه شکست لشکر ابرهه هر دو امنيت را به آنها بخشيد.

می دانيم زمين مکه باغ و زراعتی نداشت ، زراعت آن نیز محدود بود، بيشتريں درآمد از طريق همين کاروانهای تجاری تاءمين می شد، در فصل زمستان به سوی جنوب يعنی سرزمين يمن که هوای آن نسبتاً گرم بود روی می آوردند، و در فصل تابستان به سوی شمال و سرزمين شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت ، و اتفاقاً هم سرزمين يمن و هم سرزمين شام از کانونهای مهم تجارت در آن روز بودند، و مکه و مدينه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می شد.

«الفتشان هنگام سفر زمستان و تابستان» سفر زمستاني قريش به سوی يمن بود زیرا سرزمين يمن گرمسير است و سفر تابستاني آنان به سوی شام؛ زیرا شام سرزميني است سردسير. شایان ذکر است که قريش در مکه به وسيله تجارت زندگي می گذراندند پس اگر اين دو کوچ تجارتي نمی بود، امکان اقامت در مکه برایشان وجود نداشت و اگر مجاورت شان در کنار خانه کعبه وسيله تأمين امنيت شان نمی شد، آنان قادر به انجام هيچگونه کار و فعاليتی نبودند.

محمدبن اسحاق تصريح می کند که اين سوره به ماقبل خود متعلق است زیرا معني در نزد وي اين است: ما براي الفت دادن قريش و حفظ اجتماع ايمن و مطمئنشان در شهر مکه و الفتشان در سفرهایشان، فيل را از مکه باز داشته و اصحاب فيل را نابود کردیم.

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»

«پس بايد پروردگار اين خانه را عبادت کنند» يعنی: اگر قريش حق تعالی را به خاطر ساير نعمتهایش به يگانگی پرستش نکردند، بايد او را به خاطر اين نعمت مخصوص که ذکر شد، پرستش کنند. اعلام اين حقيقت به قريش از سوی خدای سبحان که او پروردگار خانه کعبه است، در واقع اعلام بيزاري وي از بتان است زیرا قريش بتان را پرستش می کردند لذا حق تعالی آنان را متوجه اين حقيقت گردانيد که به وسيله اين خانه که پروردگار آن لا شريك است، بر ساير اعراب شرف و برتري پيدا کرده اند پس بايد از كفران نعمت بپرهيزند و شرك نياورند. امام رازی می گوید: «بدان که نعمت دادن بر دو قسم است؛ يکی: با دفع نمودن ضرر و ديگری با جلب نمودن منفعت؛ و از آنجا که دفع ضرر از جلب منفعت مهمتر و مقدمتر است، بدین جهت خداوند نعمت دفع ضرر را در سوره فيل و نعمت جلب منفعت به سويشان را در اين سوره ذکر کرد و با توجه دادنشان به اين دو نعمت عظيم، آنان را به عبادت خویش فرمان داد تا اين عبوديت، شکري در برابر اين نعمت ها باشد.

سوره القريش

« الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ »

«همان که در گرسنگی غذایشان داد» یعنی: حق تعالی قریش را به سبب آن دو سفر غذا داد و آنان را از گرسنگی شدیدی که در آن به سر می بردند، رهانید «و از بیم و ترس ایمنشان گردانید» زیرا در آن زمان اعراب یکدیگر را غارت کرده و به اسارت می گرفتند اما قریش به سبب مجاورت خانه خدا از این حملات و غارتگریها ایمن بودند چنان که حق تعالی آنان را از ترس هجوم سپاه حبشه و لشکر فیل نیز ایمن گردانید پس باید به شکر این همه نعمت، فقط او را به عبادت یگانه گردانند و بجز او، بتان را شریک و همتا قرار نداده و به پرستش نگیرند. ابن کثیر می گوید: «بدین جهت است که هر کس به این فرمان الهی لبیک گفت، ایمنی دنیا و آخرت هر دو برایش جمع شد و هر کس این فرمان حق تعالی را عصیان کرد، هر دو امنیت از وی سلب گردید چنان که آیات (112 - 113) از سوره نحل بر این معنی ناظر است». در حدیث شریف به روایت اسماء بنت یزیدبن سکن انصاری رضی الله عنها آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سوره: «لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ...» را تلاوت نموده سپس فرمودند: «ای گروه قریش! وای بر شما! پروردگار این خانه را عبادت کنید که شما را از گرسنگی اطعام و از ترس و هراس ایمن گردانید».

سفر زمستانی و بهاری قریش:

این امر معروف و معلوم است که سر زمین مکه مکرمه در جای موقعیت دارد که نه در انجا مزرعه است و نه در انجا باغ سر سبز و میوه ، که اهل مکه از آن استفاده نمایند ، بنابراین حضرت خلیل الله بانی بیت الله ، هنگام اباد شدن مکه به اهل مکه به بارگاه خداوند متعال چنین دعا فرمود : این شهر را جای امنی قرار بده ، و به اهل مکه از ثمرات رزق عطا بفرما ، « ارزق اهل من الثمرات » که هر نوع میوه از بیرون آورده شود ، « یجبی الیه ثمرات کل شیء » بنابراین ، مدار معیشت و زندگی اهل مکه بر این بود که آنها به خاطر تجارت به مسافرت بروند و از آنجا ضروریات خود را بیاورند . بناً معمول طور بود که اهالی مکه در طول سال دو بار به سفر می پرداختند ، سفر اول آن سفر تابستانی که به شام (سوریه فعلی) مسافرت می کردند و امتعه خویش را بفروش می رساندند ، و سفر دومی شان در طول سال در ماهای زمستان بود که مردم قریش به سوی یمن می رفتند ، و معمولاً محصولات غرب آفریقا و آسیای دور را خرید می کردند و ناگفته نماند که مردمان شام و مردم یمن به مردمان مکه و بخصوص قریشی ها به احترام خاصی می نگریستند .

پروردگار با عظمت ما به قریش یادآوری می کند که این همه نعمت را به این قوم ارزانی نمودم ، مهمترین این نعمت دین مقدس اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود . در حالیکه قبل از اعطای این دو نعمت مصروف بت پرستی و در جاهلت می زیستند .

پروردگار کعبه:

مراد از بیت « علی الاطلاق » کعبه است که توسط ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است و این خود نعمت بزرگی است که مردم قریش از آنها بهره مند بودند و سفر آنان به ناحیه شمال و جنوب مکه برای تجارت و بزرگی آنان در چشم سایر ملت ها نعمت دیگری

سوره القريش

است که خداوند به آنان ارزانی داشته است، اما جای تعجب اینجاست که با توجه به نعمت‌های گذشته و نعمت اسلام، آنان به جای عبادت پرودگار به پرستش‌های سنگی و چوبی می‌پرداختند. خداوند بزرگ و صاحب کعبه همان خدایی است که قریش را از گرسنگی سیر گردانید و آنان از خوف و ترس ایمن ساخت.

آنچه که از تاریخ مکه واضح و مبرهن است این‌که، مکه از خطرهای تجاوز بیگانگان و بلاهای زمینی و آسمانی مصون مانده است و این به خاطر همان نعمت عظیم نبوت است که از ازل خداوند در منطقه مکه مقرر فرمودند.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که: «حق تعالی از فرزندان اسماعیل، بنی کنانه، را برگزید و از بنی کنانه قریش، را و از قریش، هاشم و از هاشم مرا برگزید و این خانواده و شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم نعمت بزرگ و بی بدیلی بودند که خداوند به قوم قریش ارزانی داشت.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی می‌فرماید: خداوند از همه فرزندان حضرت اسماعیل علیه و السلام کنانه را و سپس از کنانه قریش و بعد از قریش بنی هاشم و سپس از بنی هاشم محمد صلی الله علیه وسلم را برگزید. (البغوی عن وائله بن الاسقع)

همچنان در حدیثی دیگری می‌فرماید: همه مردم در خیر و شر تابع قریش هستند (رواه مسلم عن جابر، مظهري). علت برگزیدن خداوند که در حدیث اول بیان گردیده است غالباً این است که قبایل از ملکات و استعداد خاصی برخوردارند، در زمان کفر و شرک و جاهلیت هم آنها بعضی اخلاق و ملکات فوق العاده داشتند، استعداد قبول حق در آنها بسیار کامل بود، از اینجاست که صحابه کرام و اولیاء الله از گذشته اند (مظهري)

جد اعلای پیامبر «هاشم بن عبدمناف» اولین کسی بود که تجارت به شام را جهت امتعه و ارزاق گسترش داد و بعد از او قریش به طور وسیع به کار تجارت پرداختند. نام اصلی هاشم «عمر و العلاء» بود و چون به هنگام قحطی و تنگدستی محرومان اطعام مساکین می‌کرد و نان‌های خشک را شکسته و در آب‌گوشت‌های فراوان تریدمی کرد هاشم نام گرفت.

معلومات مؤجز در مورد قریش:

«قریش» نام یکی از قبایل عرب است و حضرت محمد در آن قبیله ظهور کرد. نام قبیله قریش در سوره «قریش» تذکر رفته است.

برخی از مفسرین فرموده اند که: لفظ قریش از تقریش به معنی مجتمع ساختن مأخوذ است چون قصی افراد پراکنده این قبیله را جمع کرده است قبیله او به این نام موسوم شده اند. و بعضی قریش را از «قرش» به معنی تجارت که شغل عمده آنها بوده مشتق می‌دانند.

طوری‌که در فوق تذکر دادیم سرزمین مکه فاقد تولید بود. نه زمین قابل کشتی داشت، و نه کالا که خود مصرف کنند و به دیگران عرضه نمایند.

از این روز باشندگان مکه به کار و بار تجارت و سوداگری اشتغال داشتند و زندگی خود را با وارد ساختن نیازمندیهای خویش از خارج تامین می‌نمودند.

وجود مکه و تقدسی که در میان قبایل عرب جاهلی داشت، و منطقه حرم که جایگاه امنی

سوره القریش

بود، و رفت و آمد قبائل عرب از نقاط مختلف عرب‌نشین به مکه چه برای پرستش بت‌های خود و چه به منظور شرکت در مراسم سالانه حج که در ماه رجب و ذی حجه انجام می‌گرفت، زمینه خوبی برای تجارت تجار عرب و مبادلات تجاری آنها بود. تجارت حجاز تقریباً در اختیار مردم قریش یعنی مردم مکه و اشراف طائف بود. تجارت قریش با فلسطین و سوره (شامات) در شمال، و با یمن در جنوب بود، و گاهی تجار از راه بحر به حبشه، و از راه نجد به حیره (عراق) تا مدائن بود، حتی با روم و مصر و هند هم رابطه تجاری داشتند.

تجار مکه تابستانها به شمال می‌رفتند که آب و هوایی خوش داشت، و زمستانها که هوا سرد بود، راهی جنوب می‌شدند.

تاجران قریش در سفرهای تجاری خود از بیابان‌های هولناک و مخوف می‌گذشتند، و صدها فرسخ راه را می‌پیمودند. بیابان‌ها و دشت‌های سوزان که در همه جای آن سکوت مطلق حکمفرما بود. نه راهی، نه آبی و درختی، و نه آبادی و نه تعمیر.

فقط هنگام سفر به شمال یا بازگشت از آنجا از «خیبر» و از شهر «مدینه» عبور می‌کردند، و در موقع سرازیر شدن به جنوب «طائف» واقع در دوازده فرسخی مکه را می‌دیدند، و بعد هم وادی «تهامه» و نقطه مسکونی آنجا را.

در سمت چپ حرکت آنها هنگام بیرون رفتن از شهر مکه سواحل «بحر احمر» و دریای سرخ، و در سمت غرب، دشت‌های بی‌کران و سوزان و کوه‌ها و دره‌های مخوف فراوان وجود داشت، و آن طرف‌تر خلیج فارس، و در جنوب دریای عمان واقع بود.

تجار مکه در سفرهای تجاری خود، از وجود اعراب بدوی که به خوبی از راه‌های صحرا و منازل میان راه آگاه بودند، برای راهنمایی و حمایت کاروان‌های خود استفاده می‌کردند. تجارت قریش در بازارهای دهگانه آنها در نقاط مختلف عربستان از شمال یعنی شامات تا جنوبی‌ترین نقطه عربستان یعنی یمن و حضرموت انجام می‌گرفت. اعراب در «اسواق» و بازارهای خود ضمن تجارت و مبادله کالای خود، به مفاخرت قبیله‌ای و خودنمایی و ارائه جنبه‌های مادی و معنوی خویش می‌پرداختند. این مفاخرت‌ها ضمن اشعار دلکش آنان و خطابه‌های پر شورشان، به خوبی نمایان بود.

معروف‌ترین این بازارهای فصلی، «سوق عکاظ» بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در ایام جوانی، در آن شرکت داشته است.

مشهورترین اسواق قریش:

«سوق» در زبان عربی به معنای بازار و جمع آن «اسواق» است. اسواق عرب، ده بازار بزرگ و همگانی فصلی بوده که در زمان جاهلیت یعنی دوران پیش از ظهور اسلام در نقاط مختلف عربستان شهرت داشت. در حقیقت عرب را می‌توانستند در این بازارها شناخت.

اسواق عرب پس از مراسم حج آنها که در ماه رجب و ذی‌الحجه در مکه و عرفات و منا انجام می‌گرفت، و شعار بزرگ قبائل عرب بود، مهمترین مراسم و کنگره بزرگ آنها در ماه‌های مختلف سال به شمار می‌رفت.

سوره القریش

محل برگزاری بازارهای دهگانه عرب در کشور کنونی اردن، یمن، عدن، حضرموت، بحرین، مسقط و عمان و نجد یعنی عربستان کنونی بود. در این قلمرو وسیع شبه جزیره تقریباً از مجموع قبائل عرب اعم از بت پرست و نصرانی و یهودی و ستاره پرست و پیروان سایر ادیان و عقاید خرافی، از شام و عراق و یمن و بحرین و سواحل خلیج فارس و نجد و یمامه و تهامه و حجاز شرکت می‌جستند. برنامه کار آنها و شرکت در این بازارها این بود که از ماه ربیع‌الاول آغاز می‌گردید تا در ماه ذی‌الحجه پس از شکت در آخرین بازارها بتوانند به مکه بیایند و در مراسم حج حضور یابند و بعد از پایان موسم به میان قبایل خود، بازگردند.

بنابراین قبایل عرب در دوره سال شخصیت و منافع مادی و معنوی خود را بدین گونه تامین می‌کردند. این غیر از سفرهای تجاری عرب به یمن و شام و فارس و حبشه و دیگر نقاط بود.

تجار عرب کالاهای خود را که از این کشورها می‌آوردند اغلب در اسواق دهگانه خود عرضه می‌کردند و بقیه شرکت کنندگان نیز آنها را با فرآورده‌های خود مبادله می‌نمودند. یعقوبی مورخ مشهور «بازارهای دهگانه عرب را که در آنها برای مبادله تجاری و داد و ستد خود اجتماع می‌کردند، و سایر مردم هم در آنها گرد می‌آمدند، و بدان وسیله از تامین خون و مال خود برخوردار می‌گشتند» بدین سان شرح می‌دهد:

- 1- یکی از بازارهای دهگانه عرب در دومة الجندل در ماه ربیع‌الاول برگزار می‌شد. رؤسای این بازار از دو قبیله غسانی و بنی کلب بودند.
- 2- بازار مشقر واقع در هجر در بحرین بود که در ماه جمادی‌الاولی گشایش می‌یافت، و قبیله بنی تمیم آن را برگزار می‌نمود.
- 3- بازار صحار (شهری واقع در کنار بحر در مسقط و عمان) در اولین روز ماه رجب افتتاح می‌شد.
- 4- بازار ریا عرب از بازار صحار سرانیز می‌شدند به بازار ریا، و آل جلندی حکمرانان آنجا از آنها مالیات می‌گرفتند.
- 5- بازار شحر (در ساحل بحر هند در خاک یمن در سرزمین مهره) بازار آنجا در سایه کوهی که قبر حضرت هود (علیه السلام) در آن واقع است، به وسیله اعراب مهره برگزار می‌شد.
- 6- بازار عدن در روز اول ماه مبارک رمضان برگزار می‌گردید، و تجار از آنجا عطریات به سایر نقاط می‌بردند.
- 7- بازار صنعاء در نیمه ماه مبارک رمضان افتتاح می‌شد.
- 8- بازار رایبه در حضر موت در جنوب یمن برگزار می‌گردید. اعراب با محافظ به آنجا می‌رفتند. زیرا حضر موت مملکت نبود، و قبیله کنده آن را برگزار می‌نمودند و به حفاظت از آمد و رفت مردم بر می‌خواست.
- 9- بازار عکاظ واقع در بالای سرزمین نجد بود. عرب در ماه ذی‌القعدة در بازار عکاظ اجتماع می‌کردند. در این بازار قریش و سایر قبائل عرب گرد می‌آمدند، و بیشتر آنها

سوره القريش

اعراب مضرى بودند. در بازار عكاظ بود كه قبائل عرب اقدام به مفاخرت مى نمودند. 10- بازار ذىالمجاز عرب از بازار عكاظ و ذىالمجاز برای شرکت در مراسم به سوى مکه سرازير مى شدند. مشهورترین این بازارها كه در تاريخ اسلام از آن سخن رفته است همان بازار عكاظ بود. چون تمام قبائل پس از شرکت در بازارهای دیگر در آخر به «سوق عكاظ» مى آمدند و در آنجا بود كه به مفاخرت و ايراد شعر و خطابه و شناسائی و شناساندن خود مى پرداختند. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در این بازار حضور یافته بود و پس از اعلام نبوت و شرکت و دیدنی های خود در بازار عكاظ یاد مى کرد. به طور خلاصه قبائل عرب از شمال و غرب برای شرکت در بازارهای خود به حرکت در مى آمد و سرانجام بیشتر آنها (غیر از يهوديان و نصرانی ها و ستاره پرستان) وارد مکه مى شدند، و پس از شرکت در موسم و طواف خانه كعبه و زیارت بعضی از بت های خود به اوطان خویش باز مى گشتند. (تاريخ يعقوبى - جلد 1)

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الكريم.

سوره القريش

فهرست مطالب:

- ترجمه
- خلاصه تفسیر
- معلومات مختصر
- محتوای سوره
- فضیلت تلاوت سوره
- اسباب نزول سوره قريش
- تفسیر سوره قريش
- سفرز مستانی و بهاری قريش
- پروردگار كعبه
- معلومات مؤجز در مورد قريش
- مشهورترین اسواق قريش

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خزّم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**